

آموزش زنان و تبیین ضرورت آن در مشروطه؛ تحلیل مکتوبات زنان در روزنامه ایران نو

سمیه سادات شفیعی^۱

چکیده

نظر به اهمیت موضوع آموزش زنان در نزد کنشگران زن فعال در عرصه مطبوعاتی عصر مشروطه، مقاله حاضر بر حسب متون زن نوشته در روزنامه ایران نو، می‌کوشد نمایی از جایگاه و وضعیت زنان در فضای اجتماعی، فرهنگی آن دوره ارائه داده و با بکارگیری تکنیک تحلیل محتوای کمی کیفی پرسش‌های ذیل را پاسخ دهد: ویژگی‌های روزنامه نگارانه متون زن نوشته در روزنامه ایران نو چیست؟ زنان نویسندگان مکتوبات چه نمایی از وضعیت زنان زمانه خود به مخاطب ارائه می‌دهند؟ این زنان در خلال نامه‌ها از چه استدلال‌هایی در حمایت از لزوم ارائه آموزش جدید برای زنان کمک می‌گیرند؟ آیا می‌توان سنخ‌بندی از این استدلال‌ها به دست داد؟

یافته‌ها نشان می‌دهد زنان پیشرو و فرهیخته در پرتوی فضای آکنده از ارزش‌های جدید مشروطیت از ابزار رسانه‌ای نوینی چون روزنامه مشهور، حرفه ای و

^۱استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
ss.shafiei@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰



ترقی خواهی چون ایران نو برای بیان وضعیت اسف بار زنان و نیز استدلال‌هایی در دفاع از لزوم آموزش زنان و برون‌رفت از وضعیت مذکور شامل بهبود کیفیت فرزندپروری در ابعاد سلامت جسمی و تربیتی، تدبیر منزل و ترقی کشور سود جسته‌اند. آنان با تکیه بر انتظارات نقش مادری و همسری و از منظر راهبردی در بلند مدت، با مخاطب قرار دادن جامعه و خصوصاً مردان علاوه بر زنان فی‌نفسه، تغییری بنیادی در وضعیت آنان و بطور کلی جامعه را انتظار دارند که پیشرفت و تعالی واقعی ایران را با خود به همراه دارد.

کلید واژه‌ها: آموزش، مکتوبات زنان، مادری، تدبیر منزل.

۱. مقدمه

در دوران قاجار شاهد شروع تغییرات اجتماعی سیاسی بی‌سابقه‌ای هستیم که در ابعاد ملی در قالب جنبش مشروطه‌خواهی صورت‌بندی شد. در این دوره است که اسباب مواجهه ایرانیان با جهان غرب و مدرنیته به معنای عام آن میسر و رویارویی سنت و مدرنیته در صور خاص آغاز می‌شود. زیرا اولین بارقه‌های مدرنیته در بُعد مادی و معنوی را برای جامعه ایران به همراه داشته و مواجهه‌های مختلفی از همراهی، استحاله و مقاومت را موجب شده است. مجموعه این تحولات، حاصل حضور نیروهای متخصص خارجی در ایران از یک سو و از سوی دیگر اعزام محصلین ایرانی به خارج و در نتیجه گشایش باب تجربه، تعامل و تبادل نظر است. این تعامل در بستر تاسیس مدارس، راه‌اندازی جلسات و انجمن‌ها به آشنایی بیش از پیش ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب انجامید. مجموع این شرایط به مثابه تلنگری بر جامعه روشنفکری ایران در کنار پیشرفت صنعت چاپ به تولد مطبوعات و گسترش آنها منجر شده و فضای بحث و نظر و نقادی درباره علل عقب ماندگی ایران را به دنبال داشت.

یکی از مهمترین عناصر مناقشه برانگیز این فضا، زنان و پرسش درباره چرایی وضعیت اسفناک آنان است. این جریان پرسشگری هم از میان زنان تحصیلکرده و فرهیخته و هم از میان جامعه روشنفکری حامیانی یافت و به تدریج خصوصاً در رابطه با موضوع آموزش زنان نضج گرفت. آموزش زنان بعنوان یک امر فراگفتمانی به مثابه چتری اکثر مطالبات این دو گروه عمده را در پیرامون مسئله زنان در ذیل خود گرد آورد. این مهم تا اندازه زیادی در گرو حضور فعالانه زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی مبارزات مشروطه نیز بود که به تدریج موجبات درک توانایی‌ها و استعدادهایشان را برای آنها به خودی خود و برای جامعه

آشکار ساخت و در پرتوی آرمان‌های مشروطه‌خواهی چون برابری، استبداد ستیزی و قانون‌گرایی به آنان انگیزه تلاش در جهت دستیابی به حقوق انسانی خود را داد. در نتیجه پنداشت‌های حقارت‌بار از زن به مثابه ضعیفه که ریشه‌های تاریخی داشت به نقد کشیده شد و در فضای جدید ناشی از مبارزات مشروطه‌خواهی این‌بار زن به معنای موجودی مستقل، توانمند و قابل اعتماد امکان طرح یافت.

فضای باز سیاسی این دوره به ویژه با رشد مطبوعات، آزادی‌هایی برای دغدغه‌مندان به دنبال داشت. چنانچه هر ایرانی قلم به دست و اندیشگری می‌توانست حداقل از مطبوعات جهت ابراز بحث و نظر خود بهره گیرد. از همین رو است که ورود زنان به اجتماع با تولد نشریاتی چون شکوفه و دانش نشان دهنده آن است که آنان این فرصت را مغتنم شمرده و به بیان دیدگاه‌های خود در نشریات خاص زنان پرداختند. به علاوه، در این راستا شاهد اولین تلاش‌های آنان در راه‌اندازی جلسات، تأسیس انجمن‌ها و مدارس دخترانه از سوی زنان فرهیخته و ترقی خواه هستیم.

در مجموع می‌توان گفت زنان به خوبی از ظرفیت‌هایشان در جهت مطرح ساختن خود به مثابه انسانی صاحب تفکر و حق استفاده کرده و سایر هم‌نوعان خود را به سمت داشتن هویتی متمایز از زنان نسل قبل از خود ترغیب می‌ساختند. در این میان، راهبرد اصلی آنان تاکید بر آموزش زنان بود که به مثابه امری مدرن در قالب تحصیل در مدارس جدید مطرح شد. هدف آن بود که علاوه بر تربیت نسلی با سواد و آشنا به علم، در میان مدت تصور عمومی از زن به عنوان موجودی ناآگاه، منفعل، اسیر خرافات و وابسته به مرد رنگ بازد و کلیشه‌های جنسیتی ریشه‌دار جای خود را به برابری انسانی دهد.^۲

مروری بر پژوهش‌های انتشار یافته پیشین درباره مطبوعات متقدم زنان به معرفی این نشریات پرداخته و نمایی از کلیت آنان بر حسب رئوس مطالب به دست می‌دهند. از جمله کثیری و باقری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «زبان زنان - نشریه‌ای متفاوت در عرصه روزنامه نگاری زنان عصر مشروطه»، این نشریه را در سه دوره حیات خود تشریح تاریخی کرده و به شخصیت صدیقه دولت آبادی مؤسس نشریه زبان زنان پرداخته‌اند.

خانیکی و کیهانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرضیه‌ای برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران» به تحلیل محتوای کمی دو نشریه «زن امروز» و «حقوق زنان» پرداخته و نشان داده اند برجسته شدن مسائل و مشکلات زنان در این نشریات با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و گفتمان‌های مسلط نسبت دارد، در واقع چون سالهای آغازین دهه ۲۰ با

طرح مسئله «آزادی» در برابر «اختناق»، همراه بوده است توجه به «حق زن در خانواده» در برابر «زن به عنوان جنس دوم»، «آموزش دختران» در برابر «خانه داری آنان» و بطور کلی «استقلال و توانمندی زن در برابر انقیاد و ناتوانی او» برای زنانی که تجربه زندگی در فروپاشی قدرت مستبد سیاسی را آغاز کرده‌اند، اهمیت یافته بود.

ترابی (۱۳۹۴) در مقاله دیگری مطبوعات زنان را بعنوان نهادهای مدرنی دانسته که با تقویت هویت فردی زنان در مسیر گذار به گفتمان مدرن راهگشای آنان بودند از جمله به نقد رویکردها و عادات ذهنی زنان می پرداختند و امر روزمره را بطور عقلانی و با مفاهیم جدیدی چون قانون خانه داری، مهندسی خانه داری، علم بچه داری و علم شوهرداری مطرح کردند.

بهشتی سرشت و پرویش (۱۳۹۴) با رویکرد تاریخی و فارغ از چارچوب مفهومی تحلیلی ضمن تمرکز بر نامه بانوان، اشتراک حقوق، مساوات و برابری، ازدواج و تشکیل خانواده، حجاب، کار زنان، تعلیم و تربیت، بهداشت فردی و اجتماعی را مهمترین دغدغه های زنان در این نشریه می داند که با انتشار محتوای مطبوعاتی از این دست موجبات روشننگری و بیداری آنان را فراهم می آورد.

زنجانی‌زاده و باغدار (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه؛ با تأکید بر روزنامه زبان‌زنان» به ارائه تحلیلی درباره «نوع مطالبات اجتماعی زنان در عرصه روزنامه‌نگاری در ایران» پرداخته‌اند. متون مورد بررسی در این مقاله شامل روزنامه زبان‌زنان در سالهای ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ ه.ش بوده است. این مقاله همچون بیشتر مقالاتی که به نشریات زنان پرداخته‌اند به اهمیت سیاسی اجتماعی نشریات در دوره مذکور پرداخته و پژوهش خود را محدود به بررسی حضور زنان در حوزه عمومی کرده، و با ارائه دلایلی بر اهمیت «نقش نشریه زبان‌زنان» در حضور بیش از پیش زنان تأکید داشته است.

حامدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بازتاب تعاملات فکری اندیشه گران درخصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه شفق سرخ، عالم نسوان و اطلاعات» درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چالش‌های فکری نخبگان دوره پهلوی اول در مبحث زنان چه بوده و انعکاس آن در جراید آن عصر چه تأثیری بر وضعیت آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنها گذاشته است؟ از نظر حامدی بحث آموزش زنان و تربیت فرزندان در نشریات با تأکید بر تربیت افراد میهن‌پرست مطرح می‌شد. همچنین

درباره تأثیر مسائل مطرح شده در این جراید اینگونه بیان شده که «ارائه این مباحث از یک سو موجب آگاهی زنان و از سوی دیگر، سبب تهییج و ترغیب آنها به بهبود وضعیتشان و طرح خواسته‌ها و مطالبات حقوقی‌شان می‌شد». از این تحقیق این موضوع را می‌توان برداشت کرد که یکی از مواردی که بیشتر نشریات زنانه در محور کار خود قرار داده بودند ایجاد احساسات ناسیونالیستی در زنان است که می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد؛ از جمله تفکرات مدرن برگرفته از غرب، ایدئولوژی و دستور کار دولتی یا شرایط نامناسب ایران از جهت درگیری در جنگ‌های جهانی.

ترابی (۱۳۹۵) در مطالعه خود با درج مطالبی از هر نشریه به توصیف برخی مضامین و دستمایه‌های اصلی نشریاتی چون شکوفه، دانش، زبان زنان، جمعیت نسوان وطنخواه، عالم نسوان و جهان زنان می‌پردازد تا شیوه مواجهه و راهبردهای نشریات زنان برای رخنه در ساختار سنت و دگرگون کردن مفهوم زن ایده‌آل در ساختار سنت و عبور به مفهوم و ارزش‌های جدید زن مدرن را از خلال نوشته‌های این نشریات واکاوی کند.

نکته قابل تأمل آن است که ردپای این تلاش‌ها را علاوه بر نشریات زنان می‌توان جست‌وجو و گریخته در سایر نشریات مطرح مقارن دوره مشروطه دید. مطبوعات این دوره بازتاب راستین تحولات فکری زمانه خود و هم انعکاسی از واقعیت‌های جاری بودند. همچنین به فراخور، زندگی روزمره مردم را نیز منعکس می‌ساختند. زنان با درک اهمیت این ابزار رسانه‌ای، در جهت کاربرد آن در راستای خواسته‌ها و اهدافشان گام برداشتند. آنان با ارسال مکتوبات و نامه‌هایی به نشریات و روزنامه‌ها کوشیدند تا از این ابزار متجددانه برای بیان و نشر دیدگاه‌ها و افکار ترقی خواهانه خود سود جویند و از این راه افکار عمومی را با اندیشه‌ها و مطالبات خود آشنا ساخته و بر آن تأثیر گذارند.

این قبیل اسناد از معدود اسناد به جا مانده از زنان در دوره مشروطه بوده و از این لحاظ دارای اهمیتی وافر و سرشار از معنایی است که زنان پیشرو این دوره با مطالعه و درک اندیشه‌های ترقی خواهانه از یکسو و زندگی عینی از تجربه زیسته خود کسب کرده و ضمن انتقال آن به مخاطب، به دنبال طرح فرصت‌های برون‌رفت از آن بودند. بنابراین، به عنوان منابع ذی‌قیمت می‌تواند پنداشت زنان از خود، از جامعه و از آموزه‌ها و تدابیر مدنظرشان برای تغییر وضعیت را متبادر سازد.

مکاتبات انتشاریافته زنان در روزنامه ایران نو از جمله این اسناد است که موضوع آموزش زنان در آن به کرات مطرح شده و از این رو از محورهای اصلی در نامه‌ها به شمار

می‌رود. این پژوهش بر این اساس، نامه‌های ارسالی از سوی زنان به روزنامه ایران نو را از بُعد مهمترین مطالبه آنان، یعنی آموزش برای زنان مورد بررسی قرار داده و می‌کوشد استدلال‌های نویسندگان مونث را در دفاع از آموزش زنان به شیوه‌ای روش‌مند احصا کند. این استدلال‌ها حاوی درک زنان پیشروی زمانه خود از وضعیت زنان و نگرش‌های آنان به استلزامات تغییر و بهبود شرایط زنان در آینده است. در این راستا ضمن ارائه ویژگی‌هایی از متون زن نوشته در این روزنامه، به طور خاص به موضوع ضرورت و اهمیت آموزش زنان از منظر این متون پرداخته خواهد شد. بنابراین محقق در وهله اول به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: ویژگی‌های روزنامه‌نگاران متون زن‌نویس در روزنامه ایران نو چیست؟ این مکتوبات چه نمایی از وضعیت زنان زمانه خود به مخاطب ارائه می‌کنند؟ این زنان در خلال نامه‌ها از چه استدلال‌هایی در حمایت از لزوم ارائه آموزش جدید برای زنان کمک می‌گیرند؟ آیا می‌توان سنخ‌بندی از این استدلال‌ها به دست داد؟

توجه به متونی از این دست در مطالعات تخصصی و نظام‌مند بسیار حائز اهمیت است زیرا این قبیل متون از اندک منابع باقی مانده از این دوره محسوب شده و بعنوان منابع ارزشمند اطلاعاتی بیان شده از سوی زنان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تاریخ مردنوشته غالباً از زبان و منظر مردان به حیات اجتماعی فرهنگی پرداخته و همچنان که برمی‌آید در متون قابل ارجاعی چون سفرنامه‌ها، خاطرات و سرگذشت‌ها نیز اکثراً مردان راوی وضعیت و احوال زنان هستند. بر این اساس بررسی‌هایی از این دست می‌تواند با هدف تولید دانش بومی در حیطه مطالعات زنان و جنسیت درک روشن‌تری از گذشته فرهنگی اجتماعی ایران معاصر کسب کرده، ضمن تحقق انباشتگی علم در شاخه‌های مرتبط دانش، نمایی از تغییر مناسبات دو جنس در جریان مدرن شدن جامعه ایران به دست دهد. در جهت پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق، مطالعه حاضر بر کاربرد روش کیفی متمرکز است. به بیان دیگر، هرچند برخی مفاهیم در قالب متغیرهای اسمی مورد تحلیل کمی قرار گرفته اما تکنیک اصلی این تحقیق روش تحلیل محتوای کیفی است. استمپل (۱۹۸۱) با دیدی گسترده نسبت به تحلیل محتوا آن را یک سیستم رسمی برای انجام کاری که همه ما به طور غیررسمی آن را انجام می‌دهیم، یعنی استخراج نتیجه ناشی از مشاهده محتوا نامید. کریپندورف (۱۹۸۰) تحلیل محتوا را اینگونه تعریف می‌کند: «روش تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن»^۳.

متداول‌ترین واحدی که برای تحلیل متون در تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود، مضمون است. معروفی و یوسف زاده مضمون را چنین تعریف می‌کنند: «مضمون‌ها پر ارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مدنظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. این مضمون‌ها، فضای خاص و مشخصی را اشغال نمی‌کنند، چون یک جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف متن، ممکن است فقط یک مضمون داشته باشد.»^۲

۲. معرفی روزنامه ایران نو

روزنامه ایران نو پس از فتح تهران و در دوره دوم مشروطه (۱۳۲۷) بعنوان ارگان رسمی حزب عامیون (دموکرات) انتشار می‌یافت. همانطور که از عنوان آن برمی‌آید این روزنامه در جستجوی ایرانی متفاوت از گذشته مشحون از فضای مشروطه‌خواهی بود و با انتشار مطالبی متمایز و قابل تامل و زمینه‌های خاص از جمله نقد نظام طبقاتی و نقد رفتار با زنان در تیراژ بالا از مهمترین و تاثیرگذارترین روزنامه‌های تاریخ روزنامه‌نگاری ایران به شمار می‌رود.^۳

این روزنامه از ۲ مرداد ۱۲۸۸ تا ۲۹ آذر ۱۲۹۰ با وقفه‌هایی در تهران با شمارگان روزانه دو تا سه هزار نسخه منتشر می‌شد. موسس حقیقی و گرداننده اصلی آن محمد امین رسول‌زاده (بادکوبه ۱۸۸۴- آنکارا ۱۹۵۴) بود که از زمان استبداد صغیر به ایران آمده و به مبارزان تبریز پیوسته بود «کوشش‌های رسول‌زاده برای پیروزی خیزش مشروطه خواهی چه در قفقاز و چه بعدها در گیلان بسیار ارزنده بود. این کوشش‌ها بیشتر از راه قلم صورت می‌گرفت! انتشار موفقیت‌آمیز روزنامه تا اندازه زیادی منبث از کار این روزنامه‌نگار باتجربه بود که در نهایت مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت و دولت ایران او را با این بهانه که تابعیت روس دارد از کشور خارج کرد. پس از او و از شماره ۱۰۴-۱۰۳ (۱۳ شعبان ۱۳۲۹) سید مهدی افجه‌ای مدیر مسئول بود. از دیگر همکاران این روزنامه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: بازلی؛ پزشکی ارمنی، غلامرضا امیرحاجبی که پس از استبداد صغیر به ریاست تفتیش نظمیه رسید و سالها نمایندگی خبرگزاری ترکیه را بر عهده داشت. کمال السلطان که بعدها روزنامه معروف ستاره ایران را بنیان نهاد. میرزا باقرخان تبریزی که پس از آن، ندای جنوب را منتشر می‌ساخت و حسین آقا پرویز که بیشتر در انتشار روزنامه صبح‌نامه مخفی در تهران و در جریان استبداد صغیر، صور اسرافیل در اروپا مشارکت داشت.

همانطور که از ترکیب نویسندگان برمی آید و به تصدیق صاحب‌نظران روش نگارش و نوشتارهای آگاه‌کننده روزنامه به زودی مورد توجه مردمی قرار گرفت. ایران نو با سیاست‌های بیگانه در ایران به ویژه روس‌ها می‌ستیزید و با نمایندگان سستی قدرت مالکان بزرگ و برخی از سرکردگان مذهبی ناسازگاری می‌کرد. با روزنامه مستقل شرق که سید ضیاالدین طباطبائی آن را منتشر می‌ساخت برخوردهای متعددی پیدا کرد. با نقد اعدام مخالفان مشروطه، مخالفت برخی روحانیون را برانگیخت و در زمستان ۱۲۸۸ به آگاهی‌رسانی در خصوص گروکشی‌هایی پرداخت که دولت‌های روسیه و انگلیس در برابر تقاضای وام دولت سپهدار پیشنهاد کرده و او آن را از مردم پنهان داشته بود. در نتیجه تحولات سیاسی و تعطیلی اجباری مجلس، روزنامه ایران نو تعطیل شد و پس از انتشار محدود چند شماره تحت عنوان دیگر برای همیشه متوقف گردید.

۳. زن‌نوشته‌های روزنامه ایران نو

این مکتوبات شامل ۶۲ متن از زنان ایرانی است که به دفتر روزنامه ارسال شده و هر یک در شماره‌های مجزا به چاپ رسیده است. باغدار دلگشا با بررسی ۴۷۵ شماره برابر با ۱۹۰۰ صفحه از این روزنامه، این مجموعه را در قالب مجلدی منتشر ساخته و از این لحاظ منبع معتبری را در دسترس پژوهشگران قرار داده است. کار وی با رویکرد تاریخی درباره مطالبات اجتماعی زنان در ایران نو نوشته، منبع مفیدی بعنوان پیشینه پژوهش حاضر ارائه داده است. از جمله آنکه به نظر می‌رسد پژوهشگران کلیه متون زن‌نوشته در این روزنامه را فارغ از محتوای آن و از آنجاکه نویسندگان جزء تحریریه ثابت نبوده‌اند، بعنوان نامه محسوب کرده‌اند. آنها بیشتر نامه‌نگاری‌های زنان را از سوی مدیران مدارس دانسته و اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی آنان را ایجاد مدارس معرفی می‌کند. همچنین نقد جامعه مردسالار و انتقاد از محرومیت و محدودیت تحصیل زنان را برمی‌شمرد. بررسی آنها نشان می‌دهد کلمه نسوان بیشترین تکرار را در میان نامه‌ها داشته است. از نظر محققان اطلاق کلمه خانم‌ها به جای نسوان، مخدرات و کمینه به منزله تغییر واژگان کاربردی معرف زنان تلقی شده است. به علاوه کاربرد کلماتی چون خواهر و ضماری چون «ما» گویای همبستگی زنان بر اساس شرایط، تجربیات و داشتن نگرانی‌های مشترک و کنار گذاردن سایر تبعیض‌های محتمل اجتماعی است. محققان مخاطب نوشته‌ها را تمام زنان جامعه ایران و هدف از این کار را بیداری آنان از جهالت می‌داند. تاکید این زنان نویسنده بر نقش

مادری و کاربرد کلمه مادر وطن که نشان از پابندی آنان به این نقش اجتماعی دارد، از دیگر یافته‌های محققان است.

هر چند محققان با تمرکز بر متون مذکور توانسته‌اند توصیفی از محتوا و فرم کلی مطالب ارائه دهند و در برخی موارد به جزئیاتی نیز اشاره داشته‌اند، اما کاربرد روشمند تحلیل محتوا را نمی‌توان در خلال مباحث دید. میان تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان خلط مبحث صورت گرفته و واحد تحلیل مشخص نشده است. در مجموع، تحقیق تنها به پاسخگویی پرسش‌های توصیفی در مورد ماهیت نگارنده نامه‌ها، مخاطب آنها، دوره زمان انتشار آنها آن هم بطور کلی و موقعیت گفتمان مردسالارانه رقیب بسنده کرده و جای تفحص بیشتر را به ویژه از بُعد کیفی باقی گذارده است. با این پیشینه، در ادامه با اتخاذ تکنیک تحلیل محتوای کیفی درصدد پاسخگویی به پرسش‌های اصلی تحقیق برمی‌آییم:

۴. یافته‌های توصیفی

در این بخش ضمن بیان سیمایی از یافته‌ها به ارائه داده‌های توصیفی می‌پردازیم تا شمایی کلی از چگونگی وضعیت توزیع فراوانی برخی متغیرها به دست دهیم. توضیح آنکه در پژوهش حاضر متن‌ها بعنوان متون زن نوشته و نه صرفاً نامه در نظر گرفته شده است. لذا هر چند مطالب از سوی زنان به دفتر روزنامه ارسال شده اما به گمان پژوهشگر تنها برخی از آنها حائز ویژگی‌های نامه است. لذا متون عاری از پیش داوری و بر اساس مولفه‌های مطبوعاتی قابل مشاهده و ارزیابی، بررسی خواهد شد.

۴.۱ حجم مطالب

در موضوع حجم مطالب بر حسب شمارش لغات مکتوبات می‌توان گفت بیشترین حجم مطلب در مکتوبی حدود ۱۷۰۰ کلمه و کمترین آن در حدود ۷۲ کلمه است. البته محتوای اثر تعیین کننده اصلی کمیت است. چنانکه طولانی‌ترین مطلب متن سخنرانی ارائه شده در مدرسه اناث آمریکائی و کوتاه‌ترین مطلب مربوط به اعلان برگزاری امتحان در دبستان ناموس می‌باشد.

۴.۲ نویسنده اثر

از مجموع ۶۲ مکتوب به انتشار رسیده در روزنامه ایران نو که همگی زن نوشته بوده باید گفت از مجموع نام نویسندگان که در پایان هر متن آمده، ۲۸ مورد با نام شخصی، ۱ مورد

نامعلوم و ۱۳ مورد در قالب فردی حقوقی در رابطه با مدارس زنان و ۱ مورد بعنوان فردی حقوقی در رابطه با انجمن زنان هستند. توزیع فراوانی این متغیر در جدول ذیل آمده است:

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی ماهیت نویسنده اثر

نویسنده اثر	حقیقی	حقوقی (وابسته به مدرسه)	حقوقی (وابسته به انجمن)	نامعلوم	جمع
فراوانی	۲۸	۱۳	۱	۱	۴۳
درصد	۶۵/۱۱	۳۰/۲۳	۲/۳۲	۳۲/۳	۱۰۰

همانطور که جدول نشان می‌دهد بیشتر مکتوبات زنان با نام حقیقی نویسندگان ارسال شده است. با این حال، دقت در جزئیات نام‌ها گویای واقعیت میدانی دیگری است. بخش اعظم این نام‌ها در ارتباط با همسر، پدر و فرزند پسر این زنان آمده از جمله: عیال میرزا حاجی آقا، فاطمه بنت علی اصغر تبریزی، حاجب صبیبه امیر معظم، خادمه ملت والده غیاث نظام قزوینی و از این قبیل. این امر دلالت بر نقش جنسیتی تبعی زنان در پایگاه اجتماعی مادری، همسری و دوشیزگی دارد. لذا هرچند زنان با ارسال مکتوبات خود و انتشار آن در روزنامه بعنوان ابزار رسانه‌ای نوین سعی در بیان افکار و نظرات خود به شیوه‌ای مدرن داشته‌اند اما هویت آنان در پیوند با فرهنگ سنتی جامعه ایران کمتر مجال استقلال یافته و از این رو دستیابی به هویت مستقل زنان در خلال این متون آسان نیست.

در مقام شخصیت حقوقی، زنان مطالب خود را با عنوان رسمی مدیره مدرسه، رئیس مدرسه و یا معلم دبستان ارسال داشته‌اند. البته در مواردی که هم عنوان حقوقی و هم نام فرد آمده به جهت تقدم عنوان حقوقی در متن که نشانگر اهمیت آن در نزد نویسنده بوده، در ذیل نویسنده حقوقی شمارش شده است. بطور مثال: مدیر مدرسه شرافت دخت جلال پور فتحعلی شاه قاجار.

در میان افراد حقیقی طایره؛ بانویی است که بیشترین مطالب (۸ مورد) را ارسال داشته است. البته مطالب او غالباً متسلسل بوده و در شماره‌های پیاپی به چاپ رسیده است. اما این مطالب به لحاظ حجم در مجموع از سایر مطالب ارسالی نویسندگان حقیقی بیشتر است. پس از او رئیس مدرسه ام المدارس با ۵ مطلب ارسالی، مدیر دبستان هنر و مدیر مدرسه

ناموس هر یک با ۴ مطلب ارسالی و بدر الدجی خانم امام الحکماء با دو مطلب ارسالی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

۳,۴ مخاطب اثر

چنانکه از محتوای مطالب برمی آید ۱۹ مورد از مطالب بطور ضمنی یا مستقیم خطاب به زنان نوشته شده است. ۹ مورد از مطالب خطاب به مردان و بقیه مخاطب عام دارد.

جدول (۲): توزیع فراوانی مخاطب اثر

جمع	عام	مردان	زنان
۶۲	۳۴	۹	۱۹
۱۰۰	۵۴/۸۳	۱۴/۵	۳۰/۶۴

همانطور که می‌بینیم توزیع فراوانی مخاطب اثر دلالت بر این مهم دارد که برخلاف یافته‌های علیزاده و دلگشا (۱۳۹۵) زنان صرفاً برای زنان نوشته‌اند. برعکس، آنان با طرح موضوعات مربوط به خود و دعوت عام برای اطلاع از آن یا مشخص نکردن دقیق مخاطب کلام، سعی در اثرگذاری بر مخاطب عام و افکار عمومی در معنای خاص خود داشته‌اند. در مطالبی که مخاطب آن بطور خاص مردان هستند، بطور شفاف و بی‌واسطه‌ای از مردان در معنای کلی آن و یا مقاماتی که در نظام سیاسی اجتماعی آن دوره صاحب قدرت و ذی نفوذ بوده‌اند بطور مستقیم نام برده شده است. از جمله در خطاب به جامعه مردان با عبارات زیر روبرویم: بزرگان و والاهمتان وطن، اعیان و اشراف و اغنیا ایران، جمیع سیاسین و خیراندیشین و خدام این وطن عزیز، اولیای امور، برادران وطن‌خواه، برادران هوشمند عزیز، برادران غیور، صاحبان ناموس، طالبان علم و ترقی و تربیت و تمدن، برادران عزیز، باغیرتان، آنانی که ما بیچارگان را در غدیر ذلت و جاده بطالت گذاردید.

۴,۴ سبک مطلب

چگونگی توزیع متغیر سبک مطلب را در مکتوبات زنان در روزنامه ایران نو در جدول ذیل می‌بینیم:

جدول (۳): سبک مطلب در زن نوشته های روزنامه ایران نو

سبک مطلب	فراوانی	درصد
مقاله	۲۳	۳۷/۰۹
گزارش	۱۶	۲۵/۸
اعلان	۹	۱۴/۵
شعر و ادب	۰	۰
نامه	۱۴	۲۲/۵۸
مصاحبه	۰	۰
جمع	۶۲	۹۹/۹۷

در توضیح جدول بالا باید گفت منظور از «مقاله»، آن دست مکتوباتی است که در جریان بیان نظرات و دیدگاه‌های نویسنده به ابعاد یک موضوع پرداخته، با ارائه استدلال در جهت تحلیل یا تبیین یک پدیده می‌کوشند. توزیع فراوانی نشان می‌دهد بیش از یک سوم مطالبی که از سوی زنان در روزنامه به چاپ رسیده، در قالب مقاله بوده و حاوی ادله‌ای له یا علیه چرایی یا چگونگی وضعیت موضوع است.

«گزارش» عبارت است از متنی که ضمن اطلاع رسانی در مورد واقعه‌ای به تشریح و توصیف اوضاع و احوال پیرامون آن می‌پردازد. همانطور که می‌بینیم نزدیک به ۲۶ درصد از مطالب ارسالی از سوی زنان در قالب گزارش بوده است. این گزارش‌ها نوعاً حاوی اخبار وقایع مهم مدارس دخترانه از جمله برگزاری جلسه امتحان و جلسه انجمن و در اکثر موارد خطابه یا نطق ارائه شده توسط سخنران اصلی را نیز در بر گرفته است.

در رتبه بعد نامه‌ها قرار دارند. این مطالب غالباً حاوی مطالبات شخصی به ویژه تظلم‌خواهی زنان نسبت به نابسامانی‌های اجتماعی حقوقی دوره مشروطه دوم بوده است. در چند مورد نیز شاهد نامه‌هایی با مضمون قدردانی از حمایت مالی زنان در زمینه ارائه سرمایه مالی خود برای جلوگیری از استقراض خارجی و ذکر جزئیات موارد اهدایی هستیم.

«اعلان» هر مطلب مهمی است که جهت اشتهار و اطلاع عموم مردم در روزنامه‌ها بنویسند یا در معابر عمومی نصب کنند. همانطور که می‌بینیم کمترین فراوانی متعلق به

اعلانات درج شده از سوی زنان در روزنامه ایران‌نو است. حجم این مطالب کوتاهتر از بقیه مطالب بوده و غالباً کلمه اعلان در تیتراژ اصلی آن به چشم می‌خورد.

قلت اعلان می‌تواند گویای واقعیت‌هایی باشد. از جمله آنکه وقایع عمومی مربوط به زنان کم بوده و لذا انعکاس چندانی نداشته است یا با توجه به درجه اهمیت در مقایسه با سایر وقایع به گونه‌ای مورد دروازه‌بانی قرار گرفته و بخشی از موارد دریافتی از سوی دفتر روزنامه انتشار می‌یافته است. با توجه به قلت جامعه زنان باسواد توقع چندانی نسبت به بازخورد انتشار خبر در روزنامه پرتیراژ و مطرح آن عصر نمی‌رفته است.

همچنان که می‌بینیم هیچیک از مطالب زن نوشته ارسالی قالب شعر و ادبیات نداشته است. هرچند در مقالات و گزارش‌ها از ابیاتی استفاده شده اما این کاربرد محدود هر چند شاهدهی بر تسلط ادبی زنان است اما در جهت تایید متن اصلی بوده و سبک مطلب را تغییر نداده است. همچنین مصاحبه بعنوان یکی از سبک‌های روزنامه نگاری با توجه به فضای مطبوعاتی آن دوره چندان رایج نبوده و لذا فراوانی در این سبک در بررسی حاضر به چشم نمی‌خورد.

کوتاه آنکه زنان فرهیخته زمانه با ارسال مطالب تحلیلی خود در قالب مقاله بیش از انواع سایر ژانرها کوشیده‌اند از راه منطق و استدلال نظری نظر مخاطبان را به فکر و ایده‌ای جلب و آنان را با خود همراه سازند.

۵. یافته‌های تحلیلی

۵.۱ وضعیت زنان

یکی از مهمترین موضوعات قابل بررسی در مکتوبات زنان گزارش آنان از وضعیت رایج هم نوعان خود است. محتوای زن نوشته‌ها حاوی عناصر و مولفه‌های مهمی در توصیف وضعیت زنان است. تعابیری که در ادامه می‌آید از این منظر قابل تامل می‌باشد: اسیران وادی جهل و نادانی (ایران نو، س ۱، ش ۳۴: ۴)، از اهالی مملکت به شمار نیامدن (همان، س ۱، ش ۱۳: ۲)، نسوان ایران به چه اندازه بدبخت واقع شدند (همان، س ۱، ش ۳۳: ۴)، آیا انسان نبودیم و عرق حمیت نداشتیم که در عالم بشریت بی حقوق ماندیم! (همان، س ۱، ش ۱۹: ۳)، گرفتار ظلمت جهالت و بی علمی و نادانی (همان، س ۱، ش ۳۴: ۴)، حساب شدن جز اموات، بلکه اموات نفقه خوار (همان، س ۱، ش ۵۴: ۴)، طایفه نسوان را پست ترین مخلوقات تصور کردن و گرفتار هزاران هزار تعدیات نمودن (همان، س ۱، ش ۷۸: ۳)، محصور در تنگنای محبس نادانی و بی خبر از درجه علم و هنر و بی بهره از میوه آگاهی و

اطلاع(همان، س ۱، ش ۸۰: ۲)، عمری را به بطالت گذراندن و پست ترین مخلوق و باعث بدنامی وطن عزیزمان شدن(همان، س ۱، ش ۹۲: ۴)، تصور می کنند که ما را آفریده اند از برای کنیزی مردان(همان، س ۳، ش ۱۰۲: ۳)

تاکید بر جهل و نادانی زنان یکی از عناصر محوری روایت نویسندگان مکتوبات از وضعیت زنان زمانه خود است. بی شک کاربرد و تاکید بر این مضمون بعنوان مقدمه ای بر ضرورت بکارگیری آموزش برای زنان بکار گرفته شده است. در مورد سایر مضامین می توان گفت آنها نشانگر منزلت اجتماعی زنان و شأن زنانگی در جامعه ایران در بزنگاه مشروطیت است و حکایت از فرودستی اجتماعی و وضعیت حقارت بار زنان دارد. از جمله کاربرد واژگان اسیر، اموات نفقه خوار، گرفتار ظلمت، پست ترین مخلوقات، محصور، کنیز، بی بهره و از این قبیل.

۲.۵ آموزش زنان و دفاع از آن

همانطور که پیشینه تحقیق نشان داد ضرورت آموزش زنان مهمترین مطالبه زن نوشته‌ها در روزنامه ایران نو بود. در این بخش با بررسی عناصر اصلی بحث به ارائه دلایل نویسندگان در دفاع از آموزش زنان می پردازیم. در یک مطالعه جامع به نظر می رسد مجموعه ادله آنان را بتوان ذیل سه سرفصل گردآورد:

الف: فرزندپروری

بطور تاریخی، مادری اصلی ترین نقش اجتماعی زنان تعریف شده است. این امر تا اندازه زیادی ریشه در تفاوت های زیست شناختی دو جنس دارد. چنان که در طول تاریخ جهان این باور وجود داشته که زنان بطور طبیعی برای مادری و پرستاری ساخته شده اند. در راستای عهده داری همین نقش است که فرزندآوری و فرزندپروری بعنوان وظایف نقشی از سوی زنان و نیز جامعه شناخته می شود. تاکید متون زن نوشته در روزنامه ایران نو متوجه نقش فرزندپروری زنان بوده و آموزش زنان را در مقام مادر زمینه ای برای تربیت و پرورش فرزندان می داند.

«بر هر ذی بصر واضح و مبرهن است که پرورش و تعلیم و تربیت اولاد به عهده مادر است پس باید مادرها را در طفولیت در مدارس جدید مجبور به تحصیل نمائید و دانشمندان در اختیار کردن قرین سعی بلیغ نمایند و نظر در اصلت و دیانت و اخلاق و فطرت و امانت و جنسیت زوجه نمایند»(ایران نو، س ۱، ش ۶۵: ۳).

در دفاع از اهمیت آموزش زنان در ایفای نقش مادری، زنان در نوشته‌های ارسالی به روزنامه ایران نو به موضوع تربیت می‌پردازند؛ به نظر می‌رسد توجه به نقش تربیتی مادران فراتر از به اصطلاح بزرگ کردن فرزندان، ناشی از فضای فکری و بسامد اندیشه تعلیم و تربیت مدرن در آن دوره است: «ای خواهران عزیزم آیا بر خود می‌پسندید که با این همه خسارت و زحمت به واسطه ممنوع بودن از تحصیل علم خانه‌داری و اخلاق قهرا گرفتار ننگ و سرزنش شویم و به واسطه عدم قناعت و علم و هنر و عرفان و دیانت از تربیت اولادهای خودمان محروم بمانیم» (ایران نو، س ۱، ش ۹۲: ۴).

در جایی دیگر از مکتوبات زن نوشته، با این استدلال که منافع آموزش زنان در تربیت فرزندان را از طریق کاهش کجروی آنان متوجه پدران است، روبرویم: «هر فرزندی که در آغوش مادر با تربیت بار بیاید ممکن نیست مصدر خلافی واقع بشود. مردان گمان نکنند از اینکه جماعت نسوان را از علم محروم می‌کنند آنها به ما ظلم کرده‌اند بلکه این ظلم به تمامه بر خود ایشان برمی‌گردد. اگر مادر اولادهای ایشان عالم باشند اولادهای آنها دارای تربیت می‌شوند» (ایران نو، س ۳، ش ۸۴: ۳).

و در جایی دیگر کثرت مدارس و فراگیری آموزش زنان در سراسر کشور مورد توصیه قرار گرفته تا در کلیت خود بتوان در میان‌مدت به نسلی تحصیلکرده دست یافت: «... و متدرجا مسئله تربیت بنات این کشور به درجه لازمه اهمیت یافته، مکاتیب و مدارس متعدده برپا شود تا به مرور ایام این تخم عظیم الاثر ترقی فرزندان سبز و خرم گردیده و مثمر ثمرات مفیده روحانی و جسمانی شده از ظلمات جهالت و نادانی رهائی یابیم» (ایران نو، س ۱، ش ۳۴: ۴)

دورنمای کلی چنین رویکردی پرورش فرزندان متعهد و در اینجا با توجه به سیطره ارزش ملی‌گرایی بعنوان یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های مشروطیت؛ تربیت فرزندان وطن پرست است.

«... و از این حیث مدارس اناث را از مدارس ذکور اثر و اهمیت بیش است. زیرا این مدارس مادرانی تربیت می‌کند که در دامان آنها مردان غیرتمند و وطن‌پرست پرورش خواهند یافت» (ایران نو، س ۱، ش ۷۹: ۳)

نکته آنکه فرزندپروری وجه دیگری دارد و آن توجه به حفظ سلامت جسمی فرزندان است. نویسندگان این امر را با توجه به نرخ بالای مرگ و میر کودکان در ایران عهد قاجار^۸ بسیار مهم شمرده و تامین آن را چه از جهت حفظ سلامت و چه از جهت عدم ابتلا به

بیماری و در نتیجه داشتن فرزندان تندرست در گرو آموزش زنان می‌دانند: «چون بیشتر امراض معنوی و صوری ما ایرانیان را به واسطه عدم تربیت امهات اولاد وطن می‌دانم بر خود فرض می‌شمارم که در این باب چند کلمه به صورت استدعا به حضور جمیع سیاسیین و خیراندیشین و خدام این وطن عزیز معروض دارم» (ایران نو، س ۱، ش ۱۷: ۲)

«آیا می‌دانید در هر سالی چه عده از اطفال به واسطه نادانی و بی‌علمی و غفلت امهاتشان در آب غرق و در آتش سوخته و به امراض جزئی تلف می‌شوند و یا به واسطه عدم تمیزی و بی‌پرستاری کور و کچل و دست و پا شکسته می‌شوند. معلوم است وقتی که مادر از علم حفظ الصحه بی‌بهره باشد حال اطفال چه خواهد شد» (ایران نو، س ۱، ش ۶۹: ۳)

ب: تدبیر منزل

تقسیم زندگی اجتماعی به عمومی و خصوصی موجب شده تا بر حسب ویژگی‌های طبیعی، نوعی تقسیم کار جنسیتی شکل گیرد که جای مردان را عرصه عمومی و جای زنان را عرصه خصوصی می‌شناسد. مادری و همسری با وظیفه مراقبت از خانواده، شوهر، فرزندان و نیز سالمندان بطور اجتناب‌ناپذیری عجین شده و و انجام مجموعه امور خانگی از جمله انواع خدمات‌رسانی به اعضای خانواده را نصیب زنان ساخته است. نویسندگان زن مکتوبات روزنامه ایران نو با پذیرش این اصل عرفاً بدیهی انگاشته شده، آموزش زنان را موجب خدمات‌رسانی بهتر آنان ذیل عنوان تدبیر منزل می‌دانند:

«بهتر این است که دبستان بنیان نهیم و دبیرستانی برای دختران وطن بنا گذاریم که در آینده در سر هر خانواده یک خانم دانشمند آماده نمایم که تدبیر منزل و تربیت بچه و اداره بیت و خیاطی و طباحی و نظافت را نیکو بداند و از پستانش شیر و حب وطن به دهان نوزادگان برسد تا در هنگام لزوم سزاوار قربانی و خدمت باشند» (ایران نو، س ۱، ش ۱۹: ۳).

نکته آنکه تدبیر شایسته منزل نیز در ارتباط وثیق با وطن پرستی تعریف شده و از این نظر رسالت تاریخی برای زنان قائل‌اند.

همچون مورد الف، در اینجا نیز یکی از ادله‌ها، برشمردن منافع آموزش زنان برای مردان در معنای اعم کلمه است. زیرا جامعه مردان بطور عرفی با تخصیص حوزه خصوصی به زنان، مانع دستیابی آنان به فرصت‌ها و منابع حوزه عمومی بوده است: «در صورتی که زنان و دختران مملکتی دارای سواد و معلومات شدند از برکت علم و تربیت خود علاوه از اینکه اولاد خود را بطور صحیح و دلخواه تربیت می‌کند اداره بیتی را با یک عقل معاش اداره می‌کند در موقع لزوم به شوهر خود نیز به واسطه قوه علمیه که دارد می‌تواند همراهی کند

نگذارد که دمی از پای بیافتد و اعتبار مردانگی‌اش در میان هم قطاران خود بشکند. پس در این صورت مرد که از قید معاش و زحمت تربیت اولاد خود را آسوده دید با تمام قدرت در توسعه اداره و کشف مجهولات و اختراعات و تکمیل صنعت و اخذ شرف و عزت خود می‌پردازد» (ایران نو، س ۲، ش ۵۲: ۴).

با درک اهمیت و ابعاد وظیفه تدبیر منزل در جای دیگری، منافع آموزش زنان در مدیریت امور خانه و خانواده را متوجه شوهران دانسته و می‌خوانیم: «نظر به اینکه طبع انسان دقیق تر و ذهنشان حساس تر است و قلم مشیت و وظیفه مهم مادری و تربیت شما را در فهرست تکالیف آنها ثبت کرده مفسد جهل برای این طایف دو صد چندان بیشتر و مزایای علم هزار برابر زیادتر است. زن عالمه خانه خود را مرتب و پاکیزه نگاه داشته اسباب دلخوشی همسر خویش را به این واسطه فراهم می‌آورد» (ایران نو، س ۳، ش ۸۳: ۳).

ج- تمدن و ترقی کشور

گسستن چرخه عقب‌ماندگی که دربرگیرنده تیره‌روزی، فقر، بیماری، ناامنی اواخر دوره قاجار بود از یک سو و پیشرفت و بهبود وضعیت کشور آن‌چنانکه در مدرنیته غربی تجربه شده بود موجب شد تا ترقی‌خواهی از جمله مهمترین اهداف انسان ایرانی در آغاز سده حاضر باشد. نویسندگان زن در دفاع از ضرورت آموزش زنان تنها به استدلال‌های پیشتر مطرح شده مربوط به پایگاه اجتماعی زنان در عرصه خصوصی بسنده نکردند. بلکه با پیوند دادن نقش تربیتی، مراقبتی زنان از یک سو و کثرت جمعیت آنان کوشیدند تا توجه مخاطبان روزنامه را به اهمیت نقش زنان در پیشرفت ایران معطوف سازند:

«...بر هر ذی بصری لازم است که درصدد تعلیم و تربیت و انتظام حدود خانه خود باشد تا به واسطه نظم و ترقی تمام خانه‌های شهری صاحب ترقی و تمدن و ثروت شود و ترقی و آبادی و نظم هر خانه به واسطه انائیه است و این نعمت عظیمی که اصول ترقی است در مملکت ما اکسیر است. تا چند عضو شریف خود را معیوب و علیل و خانه خود را ویرانه می‌طلبید؟ آیا می‌دانید که تا طایفه نسوان تربیت نشوند ترقی و تمدن در مملکت غیرممکن است» (ایران نو، س ۱، ش ۷۸: ۳)

هرچند نقل قول بالا وجهی سلبی دارد اما در سایر مکتوبات، آموزش زنان در جهت ترقی و سعادت کشور وجهی ایجابی می‌یابد: «امروز روزی است که تمام برادران هم خود را در تحصیل زن و فرزند خود بگمارند، هنوز وقت باقی است می‌توانم عرض کنم نصف ترقی مملکت بسته به دانستن زن‌ها است» (ایران نو، س ۳، ش ۱۰۲: ۳).

«در هر مملکتی که طایفه انائیه بی تربیت ماندند در آن مملکت ترقی و تمدن غیرممکن است زیرا که تربیت و تمدن اطفال به عهده مادر است و همچنان راحت و ثروت مردان به واسطه وجود وجود نسوان تربیت شده با تمدن است... بنابراین، در صورتی که سیاسیون و عمال دولت را در ضمن نقشه ترقی مملکت تربیت صحیحه بنات وطن منظور شود یقین می‌دانم که به خواست خداوند متعال تمام ترقیات و سعادت وطن عزیز ما در اندک زمان به ظهور خواهد رسید و به واسطه تربیت و ترقی امهات، در حال و مال فرزندان این خاک آثار ترقیات عالییه پدیدار خواهد شد» (ایران نو، س ۱، ش ۱۷: ۲)

در بیان اهمیت آموزش زنان و کسب سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی کشور، اروپا به عنوان الگو معرفی شده و از نقش زنان در کشورهای اروپایی اینگونه یاد شده: «ای خواتین محترمه و ای مادران با حمیت، دانشمندان عالم و فضلالی روزگار پس از تجارب و اهتمامات با دلائل عقلیه و براهین علمی ثابت کرده‌اند ثروت و عزت هر مملکتی با تعلیم و تربیت اناث آن مملکت توأم و جز لایتجز است... امروز ترقی ممالک اروپا از حسن همت و برکت زنان آن مملکت است» (ایران نو، س ۲، ش ۵۲: ۴).

قابل توجه آنکه در راستای ضرورت آموزش زنان و ترقی کشور، موضوع شراکت زنان دانا و اخلاق‌مند و سهیم شدن آنان در امور مطرح شده است؛ موضوعی کم سابقه که دلالت بر وجود تمایلات برابرگرایانه جنسیتی در بین زنان تحصیلکرده و پیشرو داشته: «بر هر کس واضح است که بقای عالم و ترقی و تمدن و ثروت هر مملکت به واسطه طایفه نسوان است. هرگاه ما طایفه نسوان که یک عضو از اعضای شریف مردانی خود را از مرض نادانی و بداخلاقی برهانیم و در جاده ترقی و تمدن و انسانیت قدم گذاریم و با مردان خود در کلیه امور شریک و سهیم شویم در اندک زمان وطن عزیز ما دارای هرگونه عزت و شرف و صنایع و علوم خواهد شد» (ایران نو، س ۱، ش ۶۹: ۳).

توضیح آنکه همچنان که می‌بینیم قرار گرفتن مفهوم ترقی در کنار تمدن، ثروت، صنعت، عزت و سعادت دلالت بر وجوه مادی و فرامادی پیشرفت دارد. به بیان دیگر، از نظر نویسندگان، آموزش زنان متضمن آبادانی و تعالی ایران در ابعاد مادی، فرهنگی و اجتماعی است. گویی آموزش زنان نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای آحاد کشور تلقی می‌شود.

۶. نتیجه گیری

مقاله حاضر با در نظر گرفتن فضای دوران مشروطه که مشحون از تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی گسترده و ژرف بود، به مطالعه جریان فرهنگی اجتماعی پرداخته که در آن زنان پیشرو و تحصیل کرده زمانه خود درصدد پاسخگویی به علل وضعیت اسفبار هم‌نوعان خود برآمدند. با این رویکرد، مطالعه کمی و کیفی متون زن‌نوشته که در روزنامه *ایران نو* به چاپ رسیده، مبنای این پژوهش است. انتخاب این روزنامه از سوی زنان بعنوان ابزار رسانه‌ای نوین در بردارنده نکته قابل تاملی است. تیراژ نسبتاً بالا، محتوای جسورانه و البته حرفه‌ای که نتیجه همکاری کادری باتجربه و شناخته شده در عرصه مطبوعاتی است از جمله امتیازهای این نشریه محسوب و استقبال عمومی وافر را موجب شده بود. لذا انتشار ۶۲ عنوان مطلب زن‌نوشته در ۴۷۵ شماره از این روزنامه (۱۳ درصد کل شماره‌ها) با توجه به سطح سواد عمومی جامعه و زنان، نشان از توانمندی و ممارست آنان در بیان دیدگاه‌ها، نظرات و انتظارات خود و نیز اشتیاق بی‌اندازه آنان به مشارکت اجتماعی در حوزه عمومی دارد. همچنین گویای هوشمندی آنان در انتخاب نشریه‌ای پرمخاطب و پیشرو است که تلاش دارد روح زمان را در محتوای خود منعکس سازد.

توزیع فراوانی نویسندگان نشانگر کمیت زنان اندیشگر و قلم به دستی است که هرچند در بیان نام خود همچنان هویتی سنتی را ابراز می‌دارند اما در صورت‌بندی مطالبات خود با اعتراض به وضعیت حقارت بار ناشی از جهل و نادانی عمومی زنان و تحقیر منزلتی‌شان، مخاطب را دعوت به بازاندیشی درباره استعدادها، توانایی‌ها و کرامت انسانی زن می‌کنند. روایت زنان از وضعیت رایج هم‌نوعان خود با کاربرد واژگان خاص در بخش اول یافته‌های تحلیلی، حکایت از ابعاد این وضعیت اجتماعی داشت. چگونگی توزیع فراوانی مخاطبان نشان می‌دهد آنان برای برون رفت از این وضعیت دست کمک به سوی آحاد ملت دراز کرده و تنها به دنبال ترغیب زنان نیستند. با مخاطب قراردادن مردان و نیز جامعه بویژه با کاربرد واژه برادران می‌کوشند عزم آنان را برای همراهی در برقراری آموزش زنان جزم کنند. انتخاب سبک مقاله بعنوان سبک غالب نشان از فراست زنان در صورت‌بندی استدلالی-تحلیلی از بیان خود دارد. همچنین کاربرد سبک مقاله و گزارش نشانگر سعی زنان در ارائه مطالبی همخوان با سایر مطالب و رعایت استاندارد روزنامه است.

تحلیل کیفی محتوای و سنخ‌شناسی استدلال‌های نویسندگان متون زن‌نوشته در بیان تقاضای اصلی خود یعنی برقراری آموزش برای زنان در سه محور کانونی مورد شناسایی

قرار گرفت: فرزندپروری، تدبیر منزل، تمدن و ترقی کشور. نویسندگان با ارجاع بر اصل مادری، فرزندپروری را بعنوان مهمترین وظیفه نقشی زنان در بعد سلامت جسمی و تربیت روحی برجسته ساخته، دستیابی هر چه بهتر به آن را در گروی آموزش زنان می‌دانند. همچنین با تکیه بر ویژگیهای طبیعی و زیست‌شناختی دو جنس، زنان را عهده‌دار انجام امور خانه و وظایف جاری عرصه خصوصی برشمرده، رسیدگی به کار خانگی، ارائه خدمات مراقبتی، بهداشتی و نیز همسررداری به نحو شایسته آنچنانکه خود تدبیر منزل می‌نامند را منوط به برقراری آموزش جدید برای زنان می‌دانند. به علاوه، در فضای پر هیجان و آرمان‌خواهانه مشروطه که مملو از ارزش‌هایی چون وطن‌پرستی، ترقی‌خواهی و عدالت است؛ این نویسندگان با پیوند میان آموزش زنان و در نتیجه بهبود وضعیت‌شان بعنوان فردی از جامعه انسانی در مقیاس خرد، خانواده، گروه‌های اجتماعی، انجمن‌ها و گروه‌های شغلی بویژه دست‌اندرکاران امور آموزشی، تحصیلی در مقیاس متوسط و نیز ایجاد روندهای عامی در جامعه در مقیاس کلان، پیشرفت و ترقی کشور را به درستی با نگاهی راهبردی خواستار بودند.

نکته مهم آنکه به موازات انتشار زن نوشته‌های روزنامه و به فراخور فعالیت‌های جریان‌های فکری، اجتماعی و سیاسی طرفدار آموزش زنان با گزارش راه‌اندازی، شروع به کار، انجام امور معمول مانند برگزاری جلسات امتحان در مدارس زنان همچون ناموس، هنر، نسوان، مخدرات وطن، اناث، عصمتیه، پرورش دوشیزگان، مکتب البنات، مخدرات اسلامی، پرده‌گیان، ام‌المدارس، حجاب، احیاء دخترانه و ناموس طوبی روبرویم. این‌ها در کنار شرح برنامه آموزشی از جمله کلاس‌ها به تفکیک هر پایه، مواد درسی و نیز نقد و ارزیابی کیفیت تدریس در مدارس دخترانه در مجموع نشانگر بازتاب تاثیرگذار و سازنده فعالیت‌های اجتماعی، مطبوعاتی زنان با وجود کثرت مشکلات و موانع بوده است.

کتابنامه

- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۵). *نامه‌های زنان ایرانی*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بهشتی سرشت، محسن و پرویش، محسن (۱۳۹۴). "بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار"، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۷، ش ۳.
- پروین، ناصر الدین (۱۳۸۰)، «روزنامه ایران نو»، *مجله ایران شناسی*، سال ۱۳، شماره ۵۰، ۱۳۸۰.

آموزش زنان و ضرورت تبیین آن در ... ۲۱

- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۴). «زن و تحول امر روزمره با تکیه بر نشریات زنان عصر قاجار»، *تاریخ ایران*، ش ۱۷
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۵). «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه های زنان (از مشروطه تا پهلوی)»، *تاریخ اسلام و ایران*، ش ۳۰.
- توکلی طرقي، محمد (۱۳۶۹). «اثر آگاهی از انقلاب فرانسه در شکل گیری انگاره مشروطیت در ایران»، *ایران نامه* ش ۳۱.
- حامدی زهرا، «بازتاب تعاملات فکری اندیشه گران در خصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه عالم نسوان، شفق سرخ و اطلاعات» *تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۲۷ (۱۳۹۴) صص ۱۲۴ - ۱۰۳
- خانیکي و کیهانی (۱۳۹۱)، «فرضیه‌ای برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران» *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۲۸ (۱۳۹۱) صص ۳۵-۶۶
- رایف، دانیل و لیس، استفن و جی فیکو، فریدریک (۱۳۸۸)، *تحلیل پیام های رسانه ای*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای.
- زنجانی زاده هما، باغدار دلگشا علی، «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه؛ با تاکید بر روزنامه زبان‌زنان» *مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱۷ (۱۳۹۴) صص ۸۰-۶۱
- علیزاده، محمدعلی و باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۵)، «بررسی مطالبات زنان در جراید عصر مشروطه»، *زن و جامعه*، سال هفتم، شماره ۱.
- کثیری مسعود و باقری الهه، «زبان زنان - نشریه‌ای متفاوت در عرصه روزنامه نگاری زنان عصر مشروطه» *سخن تاریخ*، شماره ۱۳ (۱۳۹۰) صص ۳-۳۶
- معروفی یحیی و یوسف زاده محمدرضا (۱۳۸۸) *تحلیل محتوا در علوم انسانی*، همدان: سپهر دانش.

Firoozeh Kashani-Sabet (2006) THE POLIT IC S OF REPRODUCTION: MATERNALISM AND WOMEN'S HYGIENE IN IRAN, 1896-1941 in Int. J. Middle East Stud. 38, 1-29. Printed in the United States of America

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص جایگاه محوری آموزش زنان در اندیشه زنان فرهیخته و پیشرو نگاه کنید به حامدی زهرا، «بازتاب تعاملات فکری اندیشه گران در خصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه عالم نسوان، شفق سرخ و اطلاعات» تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۷ (۱۳۹۴) صص ۱۲۴ - ۱۰۳.
۲. برای مطالعه بیشتر درباره تحلیل محتوای کمی کیفی ارزش های مدرنیته همچون برابری در مطبوعات زنان از جمله نگاه کنید به شفیع، سمیه سادات و فراهانی، مژگان (۱۳۹۶)، تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان؛ بایسته هایی برای زنان در آستانه دوره پهلوی، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، دوره ۸ شماره ۳۲ تابستان ۹۶.
۳. دانیل رایف و دیگران، (۱۳۸۸)، تحلیل پیام های رسانه‌ای، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، ص ۲۳.
۲. معروفی یحیی و محمدرضا یوسف زاده (۱۳۸۸) تحلیل محتوا در علوم انسانی، همدان: سپهر دانش، ص ۱۳۶.
۵. پروین، ناصرالدین، «روزنامه ایران نو»، مجله ایران شناسی، سال ۱۳، شماره ۵۰، ۱۳۸۰، ص ۳۶۴.
۶. ر.ک: همان، ص ۳۶۶.
۷. ر.ک: همان، ص ۳۷۰.
۲. کاشانی ثابت (۲۰۰۶) در مقاله خود با ارجاع به لیدی ماری شل در ۱۸۵۶ و استناد به نقل قول دکتر کلود؛ پزشک فرانسوی شاه می نویسد از هر ده کودک، حداکثر سه کودک به سه سالگی می رسند. شل مادران را که وظیفه سنتی مراقبت از کودکان را بر عهده دارند مقصر چنین وضعیت ناامید کننده ای می داند. (کاشانی ثابت، ۲۰۰۶: ۱).
۹. برای مطالعه بیشتر در باره ارزش های مشروطه و از جمله طرح مفاهیمی چون قانون، جهت، انقلاب، مساوات، ملت، قشون ملی، برابری نگاه کنید به توکلی طرقي، محمد (۱۳۶۹). اثر آگاهی از انقلاب فرانسه در شکل گیری انگاره مشروطیت در ایران، ایران نامه ش ۳۱. همچنین آفاری در کتاب انقلاب مشروطه ایران، به روشنی با استفاده از مدارک و اسناد تاریخی گوناگون، به بررسی گرایش های مذهبی، مبارزات علیه امپریالیسم و استبداد سلطنتی در طول انقلاب پرداخته و ضمن

تحلیل ابعاد طبقاتی، جنسیتی و فرهنگی انقلاب مشروطه، به حمایت‌های گسترده افراد و گروه‌های انقلابی و پیشرو در سایر نقاط جهان از جنبش مشروطه ایران به تفصیل اشاره کرده است. آفاری، ژانت، (۱۳۸۵). انقلاب مشروطه ایران، رضایی، رضا، نشر بیستون.

